

این سبکِ حیاتی!

سبک زندگی؟ باید دقیقاً مشخص کنیم درباره چه چیزی صحبت می‌کنیم...



این شماره حیات تقدیم میشود به شهید مقاومت، شهید عباس دانشگر

عباس دانشگر ۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۲ در شهرستان سمنان در خانواده‌ای متدین به دنیا آمد. او در پنجم مهرماه سال ۱۳۹۰ وارد دانشگاه امام حسین (ع) شد و رخت رزمندگی به تن کرد. کمتر از سه ماه پس از این که در بهمن ۱۳۹۴ ازدواج نمود، در اول اردیبهشت سال ۱۳۹۵ عازم سوریه شد. چند ساعتی پیش از شهادت در موقعیتی خطرناک و در تیررس دشمن نماز ظهر را اقامه می‌کند؛ اما به مانند یاران با وفای سیدالشهدا (ع) او هم آرام است و این موقعیت خطرناک از کیفیت نمازش کم نمی‌کند. عباس تازه داماد بود؛ رفقای عباس در سوریه هم قسم شده بودند که از او مراقبت کنند و او را سالم به ایران برگردانند. بعد از شهادتش گفتند عباس درس عاشقی را چشیده بود و باید می‌رفت. وی در حوالی ساعت سه و نیم عصر پنج‌شنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۵ به فیض شهادت نائل آمد.



بهنام باغی - ۹۷ نفث
سرمقاله
۲ دقیقه



خواب و بیدار

آلارم گوشی ام به صدا در آمد، دستم را بردم روی میز کنار تخت و صدا را قطع کردم. چند لحظه بعد چشم باز کردم، ساعت ۶:۱۵ بود. مترو ساعت ۶:۳۵ حرکت می‌کرد و باید خودم را به این زمان می‌رساندم تا به کلاس ساعت ۷:۳۰ برسم. دست و صورتم را شستم، لباس پوشیدم و کیک برای خوردن در مسیر برداشتم. به سوی چهارراه راه افتادم تا سوار تاکسی شوم و به سمت ایستگاه متروی نزدیک خانه بروم. ۶:۲۹ به ایستگاه رسیدم و سوار مترو شدم. مترو مثل همیشه شلوغ و با ازدحام ابتدای صبح همراه بود. به ایستگاه دانشگاه که رسیدم، همراه با دیگر دانشجویها از خیابان قاسمی به سمت دانشگاه راه افتادم. کارت دانشجویی را به حراست دانشگاه نشان دادم و به سوی دانشکده رفتم. همچنین باید بخشی از وسایل تزئین برنامه عصر در سالن آمفی تئاتر را هم هماهنگ می‌کردم.

به دانشکده که رسیدم، ساعت ۷:۲۵ دقیقه بود و کلاس حدود ۵ دقیقه دیگر شروع می‌شد. با دو سه نفر تماس گرفتم و هماهنگی‌ها برای برنامه عصر انجام شد. وارد کلاس شدم و بعد از چند دقیقه، استاد هم به کلاس آمد. ساعت ۷:۳۵ بود، استاد لیست کلاس را برداشت و شروع کرد به حضور غیاب؛ آقای ...، حاضر - آقای ...، حاضر - خانم ...، حاضر

اسم من را که خواند ناگهان از خواب بیدار شدم. ساعت ۷:۱۵ بود و کلاس ساعت ۷:۳۰ شروع می‌شد. از تخت برخاستم، دست و صورتم را شستم و صبحانه هم نان و پنیر با چای خوردم. حدود ۷:۲۵ بود که به اتاقم برگشتم، ۵ دقیقه‌ای تا شروع کلاس فاصله بود. موبایل را برداشتم، سری به تلگرام زدم و پس از آن هم نگاهی به استوری‌های اخیر اینستا و تایم‌لاین توئیترم انداختم. عقربه‌های ساعت به ۷:۳۰ رسیدند و باید به کلاس می‌رفتم. لپ‌تاپ را روشن کردم و وارد لینک vclass درس شدم. لحظاتی بعد هم استاد وارد کلاس شد و درس را شروع کرد. من هم مثل همیشه خودکار کیانم را که روی میز بود، برداشتم و شروع به جزوه نوشتن از گفته‌های استاد کردم.

حال که فکر می‌کنم سوالی ذهنم را مشغول کرده که با شما در میان می‌گذارم؛ به نظر شما کرونا روی سبک زندگی این روزهای ما و کیفیت آموزش دانشگاهی تاثیر مثبت گذاشته است یا منفی؟

تقابل سبک زندگی‌ها؛ نبردی برای لذت بیشتر

نگاهی کوتاه به مبانی اعمال و رفتار انسان

واسطه‌ی قوای شناختی برای انسان حاصل می‌شود که به آن گرسنگی می‌گوییم. پس از این حالت انسان به ذهن خود مراجعه کرده و لذت خوردن فلان ماده‌ی غذایی را برای خود تداعی می‌کند؛ و همین تداعی لذت موجب تحرک انسان برای کسب آن ماده غذایی می‌شود. پس عمل انسان از خاطرات او نسبت به لذت سرچشمه می‌گیرد. در اینجاست که چیزی به نام سبک زندگی اهمیت بسیار ویژه‌ای می‌یابد.

سبک زندگی

در ابتدا بهتر است این واژه را تعریف کرده و سپس به نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان بپردازیم. گفته شد که انسان قوای مختلفی دارد و هرکدام از این قوا نیازمندی‌های خاص مربوط به خود را دارند. پاسخ نیازهای قوا و راه کسب این پاسخ‌ها را می‌توان به صورت کلی سبک زندگی نامید. پس سبک زندگی ابزاری است برای پاسخ دادن به نیازهای قوای مختلف انسان؛ و از آنجا که گفته شد انسان براساس لذت خود عمل می‌کند، لذا بر اساس لذت سبک زندگی خود را انتخاب

می‌کند و لذت از رفع نیاز قوا حاصل می‌شود. در اصل لزوم پاسخ دادن به نیاز قوای انسان اختلافی وجود ندارد، بلکه اختلاف در تعیین مصداق پاسخ و نیز چگونگی به دست آوردن پاسخ است. برای مثال در اصل غذا خوردن انسان هیچ‌گونه اختلافی وجود ندارد، اما در اینکه چه بخورد؟ و خوردنی خود را چگونه به دست بیاورد؟ اختلافات بسیار است.

انسان باید طوری پاسخ نیازهای خود را تنظیم کند که اولاً نیاز تمام قوای خود را پاسخ داده و به صورت جمعی و کلی رشد کند و نه غیر متعادل و کاریکاتوری، و ثانیاً پاسخ نیاز هر قوه تاثیر بدی بر روی قوای دیگر نداشته‌باشد.

از آن جهت که انسان دارای دو بعد مادی و غیرمادی است و علم آدمی محدود به ماده است، لذا انسان برای این که تمام قوای خود را به طور مناسب رشد و تکامل ببخشد و رشدی همه جانبه و متعادل داشته‌باشد نیازمند کسی است که علاوه بر شناخت بعد مادی، بعد غیر مادی او را نیز بشناسد و متناسب با هردو بعد برای او یک سبک زندگی مناسب ارائه دهد. ما در اعتقادات

خود چنین چیزی را وحی می‌نامیم و سبک زندگی حاصل از آن را سبک زندگی اسلامی **تقابل سبک زندگی‌ها** پیش‌تر گفتیم انسان بر اساس خاطرات خود از لذت عمل می‌کند. بر همین اساس شاهد این هستیم که مکاتب مختلف سعی دارند که دیگران را با لذت‌های سبک زندگی خود آشنا سازند. برای این امر رسانه‌های بسیار موثر است و به همین دلیل از زمان ظهور رسانه شاهد تغییر سبک زندگی جوامع مختلف از سوی برخی جوامع خاص هستیم. آن‌ها سعی می‌کنند لذت سبک زندگی خود را به مخاطب خود نشان داده و او را در معرض چشیدن آن قرار دهند. هنگامی که مخاطب لذت آن سبک زندگی را درک کرد، به تدریج لذت سبک زندگی اولیه‌ی خود را فراموش می‌کند و سبک زندگی تبلیغی را جایگزین سبک زندگی قبلی خود می‌کند. از آنجا که پاسخ به قوای مختلف انسان رابطه‌ی مستقیمی با تعریف انسان دارد، و مکاتب مختلف هر یک تعریف متفاوتی از انسان دارند و متناسب با آن سبک زندگی خود را تعریف می‌کنند، می‌توان گفت با تغییر سبک زندگی یک فرد می‌توان به تدریج دستگاه فکری و ایده‌آولوژی آن فرد را نیز تغییر داد. این تغییر برای جوامع صاحب قدرت بسیار مهم است. به همین خاطر تمام سعی خود را به کار می‌گیرند که در ابتدا اصل افکار و آیدئولوژی مخالف خود را دچار چالش کنند، و در صورت ناتوانی در این امر به ترویج سبک زندگی خود می‌پردازند تا بدین وسیله به هدف اصلی خود یعنی تغییر فکرها و ایده‌آولوژی‌ها برسند. البته این کار تدریجی است و زمان بیشتری می‌برد، ولی در عوض بسیار عمیق‌تر و موثرتر از روش اول (تهاجم فکری) است. لذا سبک زندگی در هر جامعه‌ای اهمیت بسیار ویژه‌ای مخصوصاً برای حاکمیت آن جامعه دارد.



فهرست موضوعی حیات ۴۷

پرونده ویژه: قصاص

تقابل سبک زندگی‌ها

و چنگ لذت‌ها

صفحه ۱ و ۲

علی رضانی با نگاهی مبنایی به مسئله سبک زندگی و جایگاه علم و عمل انسان در آن پرداخته است.

رویکرد سبک زندگی

صفحه ۳

امیرحسین فرخزاده، سبک زندگی و نقش آن در تمدن و تمدن‌سازی یک ملت در جامعه امروز را بررسی کرده است.

تاثیر عوامل فرهنگی بر سبک زندگی

صفحه ۴

فاطمه بحرانی با تاکید بر اهمیت فعالیت دانشجویی و تک بعدی نبودن دانشجوی، سبک زندگی دانشجویی را شرح داده است.

سبک زندگی و آیدئولوژی

تبدیل‌ها در زمان

صفحه ۵

محمد مهدی زینلی از منظر زمان و تاثیرش بر سبک زندگی نوشته است.

حیا و سبک زندگی

صفحه ۶

مریم سادات رضوی بخشی از سخنان بزرگان را حول مسئله سبک زندگی جمع‌آوری کرده است.

پروآپ و نگاه

صفحه ۷

مریم عراقی نگاهی به تاثیرات کرونا بر سبک زندگی امروز ما و فضای دانشجویی داشته است.

درک کسی آن در روزها نیست که نیست

صفحه ۸

محمدعلی اخوان با فضاسازی ۲۰ سال بعد، تاثیرات سبک زندگی امروز را در زیست آینده ما بررسی کرده است.

روح یک تمدن

شرح کوتاهی بر درون مایه های تمدن بشری

زبان اقوام مختلف به زبان انگلیسی تغییر کرده و اکنون متداول ترین زبان در سطح بین الملل است. از قدرمندترین ابزارهای غرب برای تحمیل فرهنگ خود و نفوذ در سبک زندگی ملل مختلف «رسانه» است. انسان از طریق محتوای سمعی-بصری بیشترین تأثیر را دریافت می کند و این تأثیرات باعث تقلید آگاهانه یا ناآگاهانه می شود. با پیشرفت تکنولوژی و رسانه، مرزهای اطلاعاتی و جغرافیایی دنیا رو به کمرنگ شدن است. کشورهای جهان سومی در مواجهه با سبک زندگی غربی در دنیای رسانه، عموماً دچار سوءتحلیل می شوند. برای مثال، عمدتاً جاذبه های کاذب غرب را می بینند و کمبود آن را در زندگی شان احساس می کنند. همچنین متوجه یک سری ارزش های انسانی مانند نظم و کارجمعی که در غرب رایج است نمی شوند. علاوه بر این برخی تأثیرات به صورت ناخودآگاه نیز شکل می گیرند که هم می توانند سازنده و هم مخرب باشند. در این مسئله یک نکته بسیار با اهمیت این است که ما بعضاً در طولانی مدت متوجه این تأثیرات و تقلیدهای ناخودآگاه می شویم. اگر این ها جنبه منفی داشته باشند، پیامدهای غیر قابل جبرانی به دنبال خواهند داشت.

آنچه واضح است این است که در زمینه رسانه خوب عمل نکردیم؛ چه در تحلیل رسانه غرب و چه در توسعه صنعت رسانه خودی. و این باعث آسیب های متعدد شده است. بحث درباره رسانه گفتاری جدا می طلبد، ولیکن برای حسن ختام تبیینات امام خمینی در رسالت رسانه را بازگو می کنیم: «آن که از همه خدمات بالاتر است این است که نیروی انسانی ما را رشد بدهد و این به عهده مطبوعات است؛ مجله هاست؛ رادیو تلویزیون است؛ سینماهاست؛ تئاترهاست. این ها می توانند نیروی انسانی ما را تقویت کنند و تربیت صحیح بکنند و خدمتشان ارزشمند باشد»



کنند؛ که سردمدار این جریان، غرب است. ما همواره شاهد این بوده ایم که هر کجا غرب وارد شده است اثرات دلخواه خود را بر فرهنگ آن مردم گذاشته است. نمونه بارز آن این است که در اثر استعمارگری حکومت بریتانیا،



امیرحسین فرخ زاده

۶ دقیقه

۹۸ برق

با پیشرفت چشمگیر علم و به تبع آن پیشرفت تکنولوژی در صنایع مختلف، بشر در قله ای ایستاده است که به اجدادش فخر می فروشد و تمدن خود را به رخ می کشد. اما این تمدن چیست؟

تمدن متعالی یا سبک زندگی متعالی؟

انسان ها فطرتاً اجتماعی هستند و استعداد های متفاوتی دارند؛ و به همین دلیل از آغاز پیدایش بشر به تدریج زندگی جمعی صورت گرفت که از غارنشینی به تمدن های توسعه یافته کنونی رسیده است. از هزاران سال پیش همواره در ادبیات بشر مفهومی به نام «آرمان شهر»، «اتوپیا» یا همان «مدینه فاضله» وجود داشته است که به معنی جامعه ای ایده آل همه ی انسان هاست. برای نیل به چنین ایده آلی باید تعریف این آرمان شهر و خصائص آن مشخص باشند. نکته ی مهم این جاست که در طول تاریخ هیچ متفکری پیشرفت در ظواهر مادی را معیار اصلی یک جامعه ی آرمانی در نظر نگرفته است (چیزی که امروزه تلقی اکثر مردم درباره تمدن های پیشرفته است). چه افلاطون در سده چهارم قبل از میلاد که در کتاب «جمهور» اش، عدل به معنای وسیعش را رکن اصلی آرمان شهرش می داند؛ و یا دانشمندان اسلامی از ابونصر فارابی گرفته تا متفکران معاصر، که همگی معیار اصلی این آرمان شهر را سعادت افرادش می دانند؛ و چه تفکر سوسیالیسم امروزی که جامعه ایده آل را در برقراری عدالت و مالکیت اجتماعی می داند. خلاصه از همه ی این ها نتیجه می شود که مترقی بودن یک تمدن، ارتباطی بسیار مهم با رواج ارزش های انسانی در بین مردمش دارد. به بیانی، آن چه که روح یک تمدن را تشکیل می دهد سبک زندگی انسان ها در آن است. بیایید خود سبک زندگی را مقدری بیشتر بررسی کنیم. در جامعه شناسی با بررسی سبک زندگی افراد، به یک «استراتژی تعیین کننده ی چشم انداز طولانی مدت جامعه» می رسیم. در این آینده پژوهی، چارچوب هایی مشخص می شوند که خواه ناخواه، راهبردها و باید ها و نبایدهای یک جامعه را تشکیل می دهند. بنابراین رشد یک تمدن متناسب با این است که چقدر سبک زندگی انسان ها متناسب با هدف «تکامل و پیشرفت جامعه» باشد؛ و این است مفهوم سبک زندگی تمدن ساز.

حال که این مفاهیم مقداری ملموس تر شدند باید نکته ای را در نظر بگیریم، و آن این است که اساساً برای رشد یا حرکت باید هدفی وجود داشته باشد. بنابراین از ویژگی های یک سبک زندگی تمدن ساز، داشتن هدف و اعتقاد به آن هدف است. بدیهیست هر چقدر این اهداف متعالی تر باشند، رشد بیشتری نصیب تمدن

با تجربه و علم چو مقرون گردد...

جایگاه فعالیت دانشجویی در سبک زندگی دانشجویی

کیفیت پایین بگذرانیم. مهارت برنامه‌ریزی به گونه‌ای که بتوان بین این امور تعادل برقرار کرد، یکی از دستاوردهای ورود به فعالیت‌های دانش‌جویی است. یادمان باشد که اگر بیش از حد در کار دانش‌جویی غرق شویم و درس را به طور کامل به حاشیه ببریم، در حقیقت بهانه‌ای پیدا کرده‌ایم تا این کم‌کاری را توجیه کنیم و خود را فریب دهیم. اما چگونه باید راه خود را در میان فعالیت‌های مختلف پیدا کنیم؟ نخستین قدم، بهبود شناخت‌مان درباره عقاید، علایق، توانایی‌ها و نقاط ضعف‌مان است. بعد از آن، باید با پرس‌وجو و مشورت با بزرگ‌ترهای دل‌سوز و آگاه، از اهداف و فعالیت‌های گروه‌های مختلف دانش‌جویی مطلع شد و در نهایت به حوزه‌های مناسب ورود پیدا کرد.

با توجه به اهمیتی که برای فعالیت‌های دانش‌جویی ذکر شد، نمی‌توان در این روزهای سخت آن را کاملاً لغو کرد. شرایط این روزها و محدودیت‌های ناشی از ویروس کرونا شکل جدیدی به این فعالیت‌ها داده‌است. در این ایام، بیشتر فعالیت‌ها و رویدادها در فضای مجازی و در قالب‌های مختلف (مسابقات آنلاین، جلسات آنلاین، وبینارها، حلقه‌های مطالعاتی و ...) انجام می‌شود. هم‌چنین فعالیت‌های خیرخواهانه نیز در این ایام به شکل جدی‌تری دنبال می‌شود. مجازی بودن برنامه‌ها، این امکان را به ما می‌دهد تا بدون دغدغه‌ی طی مسیر، برنامه‌های خود را با فاصله‌ی زمانی کم تنظیم کنیم و به این ترتیب، در زمان صرفه‌جویی کنیم و فرصت برای انجام کارهای بیشتری داشته باشیم. اما باید این نکته را نیز در نظر داشته باشیم که تنظیم برنامه‌هایی به صورت موازی و هم‌زمان، اگرچه قابلیت اجرایی دارد اما باعث کاهش تمرکز بر هر برنامه و در نتیجه افت کیفیت در برگزاری آن‌ها می‌شود. خوب است حواس‌مان باشد که کیفیت این فعالیت‌ها را فدای کمیت نکنیم.

شرایط ویژه‌ی این روزها، قدم گذاشتن در یک مسیر جدید را با چالش‌هایی مواجه کرده‌است. اگرچه روند آشنایی با فعالیت‌های مختلف و یافتن مسیر کمی سخت‌تر از گذشته شده‌است، اما می‌توان با پرس‌وجو و کسب اطلاعات از منابع موثق، ورودی آگاهانه به این عرصه داشت.

با توجه به تمامی موارد مطرح شده، خوب است با ورود در حوزه‌های مختلف، از همین حالا خود را برای کارها و مسئولیت‌های مهم‌تر آماده کنیم تا در زندگی شخصی یا به هنگام ورود در مسئولیت‌های مختلف، در ابتدای راه کسب تجربه نباشیم.

ما برای اطرافیان به مرور زمان سخت‌تر می‌شود و به عبارتی انتظارات از ما به مرور زمان بیشتر و بیشتر می‌شود.

فعالیت دانش‌جویی بستر مناسبی برای کسب تجربه در این زمینه است. فعالیت‌های متنوع در فضای دانش‌جویی، به افراد فرصت می‌دهد تا تجربه کسب کنند؛ از اشتباهات خود درس بگیرند و با کمک و دل‌سوزی با تجربه‌ترها، مهارت‌های خود را تقویت کنند.

فرض کنید می‌خواهید در برگزاری یک مراسم مشارکت کنید. از آن جایی که معمولاً تمام برنامه‌ریزی‌های آن دانش‌جویی است، افراد باید ایده‌های خلاقانه‌ی قابل اجرا مطرح کنند؛ هزینه‌ی هر ایده را با توجه به شرایط اقتصادی تخمین بزنند؛ ابعاد و زوایای آن را از دید مخاطب بررسی بکنند و ... در نهایت، باید از میان ایده‌های موجود و با توجه به اهداف و شرایط، یک ایده برگزیده شود. این‌جا افراد یاد می‌گیرند که چگونه باید به تصمیم‌های حساب‌شده‌ی آن جمع احترام بگذارند، هرچند سلیقه‌ی شخصی آن‌ها متفاوت باشد. از طرفی با تمامی مسائل اجرایی و برنامه‌ریزی آن مراسم، از صفر تا صد درگیر می‌شوند. در این میان مسئولیت‌پذیری، فداکاری، توانایی کار جمعی و همین‌طور برنامه‌ریزی را یاد می‌گیرند. دانش‌جویی که به واسطه‌ی کنکور، معمولاً قبل از ورود به دانشگاه فرصتی برای تجربه‌های این‌چنینی نداشته‌است، به مرور توانایی‌هایی علاوه بر توانایی‌های درسی خود کسب می‌کند و خود می‌تواند الگویی برای جوان‌ترها باشد.

به این ترتیب حین انجام فعالیت‌های گوناگون، می‌توان از جنبه‌های مختلف رشد کرد. البته این به این معنا نیست که درس را کنار گذاشته و یا با

فاطمه بحرانی
۹۶ کامپیوتر
۶ دقیقه

احتمالاً با این موضوع مواجه شده‌اید که عده‌ای با شنیدن نام دانشگاه شریف، عبارت «تک‌بُعدی» را به دانش‌جویان آن نسبت می‌دهند. احتمالاً تصور این افراد از ما، یک ماشینی است که تمرین‌ها و پروژه‌ها را یکی پس از دیگری انجام می‌دهد؛ تمامی منابع درسی را خطبه‌خط حفظ است ولی هیچ چیزی به جز این موارد در زندگی بلد نیست. این تصور در مورد عده‌ی محدودی از ما صادق است؛ اما نسبت دادن آن به جامعه‌ی دانشجویی شریف، دور از انصاف است. یکی از مسائلی که در سبک زندگی مورد توجه است، لزوم توجه به کار و تلاش و پرهیز از تنبلی و اتلاف وقت است. این موضوع، به این معنی نیست که به طور کلی استراحت و یا کارهای جانبی را تعطیل کنیم؛ بلکه به این معناست که برای اوقات فراغت خود نیز هوش‌مندانه برنامه‌ریزی کنیم و با فعالیت‌های مناسب، به گونه‌ای از این وقت هم برای رشد خود استفاده کنیم. حتماً عبارت «فعالیت دانش‌جویی» یا «فعالیت فوق‌برنامه» را شنیده‌اید. ورود به این فعالیت‌ها و بهره بردن از منافع آن، می‌تواند به بهبود سبک زندگی ما کمک ارزش‌مندی کند.

گستره‌ی فعالیت‌های فوق‌برنامه، بیشتر ما را حداقل برای یک بار جذب خود کرده‌است. اما آیا این فعالیت‌ها صرفاً برای گذراندن زمان است یا کمکی هم به ما خواهد کرد؟ هر یک از ما به عنوان یک انسان در جامعه، باید بتوانیم با سایرین ارتباط درست برقرار کنیم. هر چه زمان می‌گذرد، این برقراری ارتباط ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند. از طرفی پذیرش اشتباهات



زمان یعنی چه؟ جایگاه زمان در مسئله سبک زندگی کجاست؟

سبک زندگی؛ آوردگاه نگاه تمدن‌ها به زمان!

محمد مهدی زینلی

۶ دقیقه

۹۷ برق



در این متن قصد داریم ابتدا تعریفی از زمان را ارائه دهیم؛ و با توجه به تعریف ارائه شده، نقش زمان را در سبک زندگی بررسی کنیم. در انتها نیز نگاهی به تاثیر زمان در سبک زندگی تمدن‌های مختلف می‌اندازیم.

کدام زمان؟

آیه ۹۶ سوره انعام: «فَالْيَقِ الْأُصْبَاحَ وَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ»
شکافنده‌ی صبح [از پرده تاریک شب است] و شب را برای آرامش قرار داد، و خورشید و ماه را وسیله‌ای برای محاسبه و اندازه‌گیری زمان مقرر فرمود؛ این است اندازه‌گیری آن توانای شکست‌ناپذیر و دانای.

در این آیه به این موضوع اشاره شده که شب برای آرامش قرار داده شده؛ اما این قرار دادن یعنی چه؟! برای فهم بهتر این موضوع نگاهی به ریشه‌ی کلمه «جعل» می‌اندازیم. معنای تحت‌اللفظی جعل «قرار دادن» است. اما آیا این قرار دادن مانند این است که بگوییم: «کتاب را در کیف قرار دادم»؟! خیر. در این جا معنی قرار دادن، مانند «خداوند مادر را مهربان قرار داد» است؛ یعنی این مهربانی در ذات مادر است، و اگر مطابق همین ذات حرکت کند این مهربانی از او جدا نمی‌شود. افعال استفاده شده در آیات هم به همین صورت است. وقتی گفته می‌شود: «خداوند در شب آرامش قرار داده است»، یعنی این آرامش بخشی از ذات شب است؛ که همین موضوع تفاوت اصلی را بین ثانیه‌هایی که در روز و ثانیه‌هایی که در شب سپری می‌شود، ایجاد می‌کند. از این تفاوت عمیق‌تر هم وجود دارد. همان که بالاتر نیز به آن اشاره شد، شب قدر با شب‌های دیگر چه فرقی می‌کند؟! بین الطلوعین با قبل از ظهر چه تفاوتی می‌کند؟! تا این جا دریافته‌ایم که این تفاوت، تفاوتی ذاتی و عمیق است؛ اما از باز کردن این تفاوت‌های نوع دوم به دلیل عدم فرصت و اطلاع دقیق عبور می‌کنیم.

سبک زندگی و زمان!

سبک زندگی تعاریف متفاوتی دارد؛ تعاریفی شاید گنگ و نادقیق و تعاریفی شاید واضح و دقیق. همین موضوع باعث شده است که پیرامون سبک زندگی سوالات زیادی مطرح شود. یکی از سوالات این است که اصلاً سبک زندگی یک مفهوم فردی است یا اجتماعی؟ در این متن از بعد اجتماعی سبک زندگی استفاده خواهیم کرد. اما ابتدا لازم داریم سبک زندگی اجتماعی را با استفاده از سبک زندگی فردی تعریف کنیم.

اگر سبک زندگی هر فرد از یک جامعه را به صورت یک بردار در نظر بگیریم، برآیندی که از تجمیع تک تک این بردارها حاصل می‌شود را می‌توان به سبک زندگی اجتماعی تعبیر کرد. برای دیدن این که یک جامعه به چه

سبکی زندگی می‌کند، باید دید تک تک افراد جامعه چه سبکی را برای زندگی خود اتخاذ کرده‌اند. زمان در سبک زندگی رگه‌های پرنرنگی را از خود به جا گذاشته است. مثلاً ساعت بیدار شدن و خوابیدن، مسئله‌ای است که شاید هر انسانی در زندگی‌اش از زمانی که به خود آمده برای او سوال شده باشد. اگر بخواهیم با تعریف بالا (تعریف ذاتی و حقیقتی) به زمان نگاه کنیم، ساعت خواب مانمی تواند ساعت ثابتی باشد. چرا که شب و روز با ساعت تعیین نمی‌شود، با اوقاتی تعیین می‌شود که ما آن را به اسم اوقات شرعی می‌شناسیم، مثل طلوع آفتاب، نیمه شب و ... برای همین وقتی می‌خواهیم سبک زندگی خود را بر اساس زمان تنظیم کنیم، تعریف ما از زمان به شدت دارای اهمیت می‌شود و تماماً تجلی خود را در خروجی سبک زندگی نشان می‌دهد.

تاثیر زمان در سبک زندگی: تقابل دو تمدن!

انسان غربی - که شاید بگوییم انسان مدرن بهتر باشد؛ چرا که متاسفانه خودمان نیز به این آفت مدرنیته دچار شده ایم- برایش تفاوتی ندارد که وقتی کار خود را در ساعت ۶ صبح آغاز می‌کند، هواروشن است یا تاریک. این یکی از اثرات پیشرفت تکنولوژی است که تفاوت بین شب و روز را به شدت کم‌رنگ کرده است. حال باید کمی از بیرون به شرایط خود نگاه کنیم؛ زیرا خود ما نیز درگیر این آفت شده‌ایم که شب و روز برایمان فرقی ندارد، و دیگر خواب شب و خواب در روز برایمان تفاوتی نمی‌کند. و البته شرایط کنونی ناشی از بیماری‌های کرونایی از قبل این آتش را برافروخته‌تر کرده است.

می‌خواهیم در مقابل انسان مدرن یک انسان دیگر تعریف کنیم که سبک زندگی خود را با توجه به ذات اوقات زمانی تعیین می‌کند؛ و تفاوت‌ها را از توصیه‌ها و متون دینی استخراج می‌کند. به این انسان به صورت قراردادی می‌گوییم «انسان با سبک زندگی اسلامی».

انسان با سبک زندگی اسلامی را شاید اکنون هم بتوانیم پیدا کنیم، اما این ویژگی در بین خودمان به شدت کم است. بین ما که در پایتخت زندگی می‌کنیم و خود را غرق در تکنولوژی کرده‌ایم کمتر انسانی با این ویژگی پیدا می‌شود. اما وقتی به روستا می‌رویم، حس می‌کنیم این انسان با سبک زندگی اسلامی در آن جا به فراوانی یافت می‌شود.

انسانی که روزش قبل از اذان صبح آغاز می‌شود، آن هم با راز و نیاز و مناجات با خالق خود در دل شب، و رزق معنوی روز را در

همان زمان از خداوند طلب می‌کند؛ بین الطلوعین را نمی‌خواهد که مبادا انرژی‌اش را با خواب بدموقع از دست بدهد و کسل شود؛ کارش با طلوع آفتاب آغاز می‌شود؛ استراحت و غذای خود را با اذان ظهر تنظیم می‌کند، و کار خود را برای نماز تعطیل می‌کند؛ اندکی بعد از نماز ظهر و غذا کار می‌کند؛ و قبل از تاریک شدن هوا به خانه برمی‌گردد تا از آرامشی که خدا در شب و در کنار خانواده بودن داده است بهره‌مند شود. شاید چیزی به اسم ساعت به انسان با سبک زندگی اسلامی در بهینه کردن کارهایش کمک کند، اما مینا قرار نمی‌گیرد. دقیقاً برعکس انسان مدرن. انسان مدرن مبنای زندگی خود را بر روی عدد‌های بی‌ارزش نوشته شده روی آن دایره‌ی بی‌ارزش‌تر تنظیم کرده. در حالی که غافل است از این که در پس این اعداد و دایره مفاهیم عمیق‌تری وجود دارد. مفاهیمی که برای رسیدن به آن‌ها باید از مدرنیته کمی فاصله گرفت، و از طریق دیگری به زمان نگاه کرد و تعریف دیگری برای زمان ارائه داد.

آری! آن چه که از سبک زندگی در تمدن‌ها دیده می‌شود همین است: یکی با مینا گرفتن حقیقتی که خالق عالم در اوقات زمانی قرار داده است، و دیگری فقط با وابستگی به اعداد و دایره. برای همین می‌گوییم «سبک زندگی، آوردگاه نگاه تمدن‌ها به زمان»

برای مشاهده متن کامل
این یادداشت کلیک کنید



← حیات طیبه
4 members

فرهنگ‌سازی تدریجی

1:10 PM ✓

Emam Khamenei

بنده طرفدار این نیستم که حالا در مورد لباس، در مورد مسکن، در مورد سایر چیزها، یکباره یک حرکت جمعی و عمومی انجام بگیرد؛ نه، این کارها باید به تدریج انجام بگیرد؛ دستوری هم نیست؛ اینها فرهنگ‌سازی لازم دارد. همان‌طور که گفتم، کار نخبگان است، کار فرهنگ‌سازان است. و شما جوان‌ها باید خودتان را برای این آماده کنید؛ این، رسالت اصلی است.

1:10 Pm

حسن روابط اجتماعی

1:10 PM ✓

Shahid Motahhari

اسلام حیات طیبه را به قناعت و رضایت به قسمت یعنی مقتضای استعداد و شرایط می‌داند. دیگر نظر اسلام در حسن روابط اجتماعی که با تنافس (خود نمایی) و تکالب (هجوم) نه تنها سعادت جامعه تأمین نمی‌گردد، بلکه بدتر صلح و صفا و امنیت که اساس سعادت اجتماعی است به هم می‌خورد. به علاوه انسان از لحاظ اجتماعی و فردی اگر بخواهد شرافتمندانه زندگی کند باید به قول ناصر خسرو شکار دنیا نباشد، دنیا شکار او باشد.

1:10 Pm

سبک زندگی شهدایی

1:10 PM ✓

Emam Khamenei

هیجان جنگ و رفتن در میدان جنگ یک مسئله است که چیز باارزشی است که کسانی جان‌شان را کف دست بگیرند و بروند بجنگند؛ لکن روحیات، خصوصیات زندگی، سابقه و پشتوانه‌ی فکری و اعتقادی شخص هم یک مسئله‌ی دیگری است که این خیلی مهم است.

1:10 Pm

عمر را صرف چه می‌کنیم؟

1:10 PM ✓

Ostad Qaraati

جوانان دانشجو باید قدر فرصت‌های خود را بدانند. داشتن لیسانس و مدرک بدون داشتن مهارت و هنر، کافی نیست. جوانان نباید به دنبال کارهایی که در عقل و در قرآن وجود ندارد بروند. دانشجویان در طول چهار سال تحصیلی لیسانس با در نظر گرفتن تعطیلات، فقط یک سال تحصیل می‌کنند و بقیه اوقات تعطیل می‌باشند که باید روی این ایام مدیریت داشته باشند. باید توجه داشته باشیم که عمرمان را در چه مواردی صرف می‌کنیم؛ به عنوان مثال امروزه تماشای برنامه‌های ورزشی و دیدن فیلم، وقت زیادی از جوانان را می‌گیرد در حالی که استفاده‌ی بهینه آن است که خود به انجام ورزش بپردازیم.



Message



بر آب رفتن!

سبک زندگی با کرونا

ارتباطاتی باشد! مدل جدید، قاعدتاً همراه با یک بازنگری است. باید ببینیم در سیستم قبلی، چه چیزهایی وجود داشت که واقعاً لازمشان نداشتیم و سربار بودند، و چه چیزهای دیگری که واقعاً مورد نیاز بودند؟

این روزها که رویدادهای بزرگی در حال برگزاری به صورت آنلاین و غیرحضوری هستند، بدون این که آدم‌ها را از شهرهای مختلف و نقاط دور و نزدیک به تهران بکشانند، آدم را به این فکر می‌اندازد که آیا واقعاً تهش به آن همه مکان و ساختمان و خرج و مخارج داشتیم؟ به آن سالن‌های چند صد نفره‌ی باشکوه، آن همه اسپانسرینگ و تبلیغات محیطی و پذیرایی مفصل و هدایای شیک و...؟ شاید بگویید خب تجربه‌های انسانی بود که در این میان از دست رفت! دقیقاً درست می‌فرمایید! ولی آیا لازم بود ایجاد تجربه‌ی

«انسانی» در رقابتی برای زرق و برق بیشتر بیفتد؟

دیدارهای مجازی این روزها به ما فرصت این را می‌دهد که به تجارب انسانی فرای مکان (فیزیکی) آن‌ها فکر کنیم؛ چیزی که همیشه از نظرماتن همیشه از نظرماتن یک عنصر کلیدی بوده‌است! به نظر می‌رسد مانند خیلی از رویه‌های دیگرمان،

اصرار به برگزاری حضوری رویدادها، یادگاری بود که از دوران پیش از توسعه‌ی تکنولوژی‌های امروزی به جا مانده بود.

در واقع، حالا می‌توانیم با دید بازتری به دنبال عنصر مهم و حیاتی در ارتباطاتمان باشیم؛ چیزی از جنس اهمیت واقعی قائل شدن و همدلی و هم‌افزایی. همراه با گذر از این دوران سخت و ویروسی، امید می‌رود در دنیای انسانی ما هم چیزهای واقعاً ارزشمند بمانند و ظواهر پرزرق و پرخرج آن دور انداخته شود.

نود و نه ما در بهترین حالت به گذراندن درس‌ها و کار از راه دور و کنار آمدن با این شرایط غیر حضوری گذشت. در واقع آلام دورکاری را می‌توان در تغییر شکل ارتباطات انسانی خلاصه کرد. اینکه آلامش دقیقاً کجا بود، مطمئناً خودتان بهتر می‌دانید. اگر بخواهیم اشاره‌ی کوچکی به آن بکنیم؛ و حذف شدن درس خواندن گروهی، انجام پروژه‌ها به صورت تیمی و امثال این‌ها را هم فاکتور بگیریم؛ می‌ماند زمان‌هایی که مسئله‌ای برایمان ایجاد می‌شد، یک درگیری فکری، یک بار سنگین که نمی‌دانستیم کجا بگذاریم! در این مواقع به محض این که در جایی در کنار یک آدم همدل قرار می‌گرفتم سفره‌ی دلمان را باز می‌کردیم و حداقل فایده‌اش این بود که از آن بار ذهنی کاسته می‌شد!

سیل را دیده‌اید؟ وقتی می‌آید همه چیز را

مریم عراقی
۹۵ مکانیک
۷ دقیقه

آدم باورش نمی‌شود که دنیا همان دنیاست؛ ما هم همان آدم‌هاییم. دانشگاه هم همان دانشگاه است و... همانیم! ولی دوباره مثل قبل می‌شویم؟ نمی‌دانم. اصلاً در ذهن نمی‌گنجد که چطور این همه خودمان را با تغییرات وفق دادیم. شاید بگویید چاره‌ای نداشتیم، در عمل انجام شده قرار گرفته بودیم.

ممکن است بپرسید: چرا باید این یادداشت را بخوانم؟ سوال خیلی خوبی است! چرا باید حرف‌های تکراری بزنی و بشنویم؟ همه می‌دانیم کرونا بدبختی‌هایی به بار آورده و از طرفی خوبی‌هایی هم داشته است؛ دیگر چرا

باید وقتمان را پای این یادداشت‌ها هدر بدهیم؟ کاملاً درست است دوست عزیز؛ اگر قرار باشد روزه‌ای باز بخوانیم و از داغ‌هایی که کرونا بر دلمان گذاشته یا از آثار بدیهی کرونا بر زندگی و دانشگاه و... بگوییم؛ رواست که همین‌جا یادداشت را رها کنید و بروید یک کار مفیدتر بکنید (مثلاً یک نارنگی پوست بکنید و نوش

جان کنید!). اما این یادداشت قرار نیست از آن حرف‌های مرسوم بزند یا نمک بر زخم‌ها پاشد. حکمت‌بافی هم نمی‌خواهد بکند؛ چرا که اصلاً رساندن ما به «الخییر فی ما وَقَع» از دست ما خارج است، از این رو می‌خواهد روزنی - هر چند ناچیز - به ذهن‌ها باز کند.

این روزها اگر از یک دانشجو بپرسید نود و نه خود را چگونه گذراندید، چند لحظه‌ای به شما نگاه می‌کند (که این نگاه‌ها از پس پیام متنی هم حس می‌شود!) بعد می‌گوید: «شوخیست هم زشته». شوخیست هم زشته بود یک زمان، که بخواهیم از این صحبت کنیم که چطور در یک سال آینده هم‌زیستی مسالمت‌آمیزی با کرونا داشته باشیم!



می‌شوید و با خودش می‌برد. دار و ندار و خانه و سرپناه و تعلقات و... سیل کرونا هم «حضور» ما را برد. انگار این سیل قسمت‌های شیرین و جذاب روزمره را شسته و برده، و قسمت‌های سخت و نچسب‌اش مانده‌است! گپ‌زدن‌های بین کلاس‌ها، با هم بودن موقع ناهار، نشستن در لابی و دفتر گروه دانشجویی و... رفته و کار جدی، پروژه‌ها و تمرین‌های سنگین، کلاس‌های ملالت‌بار و... باقی مانده‌است.

حال که به لطف کرونا، شکل ارتباطات انسانی ما کوبیده شده و از نو می‌خواهد ساخته شود، این ایده‌های خلاقانه و آرمان‌گرایانه هستند که هر کدام می‌خواهند معمار این بنای جدید

هرکسی آن درود عاقبت کار که کشت

نگاهی به تاثیر سبک زندگی امروز در زندگی فردا

محمد علی اخوان

۷ دقیقه

۹۸ صنایع



لطفاً مدتی چشم‌هایتان را ببندید و خودتان را در بیست سال بعد تصور کنید.

چه شکلی شده بودید؟ چاق‌تر بودید یا لاغرتر؟ خدای ناکرده مشکل جسمی پیدا کرده بودید یا هنوز سر حال بودید؟ شغلی برای خود در نظر گرفتید؟ در جایی مشغول به فعالیت بودید یا بی‌کار بودید؟ خانواده آینده خود را ترسیم کردید؟ اصلاً برای خودتان همسری در نظر گرفتید؟ اگر در نظر گرفتید، خودتان را در حال دعوا با همسران و فرزندان‌تان می‌دیدید یا خودتان را خوشحال و در حال عشق‌ورزی به آن‌ها می‌دیدید؟

خداوند در قرآن کریم از واژه‌ای بسیار دقیق به نام سنت نام برده است که پایه‌ی جهان بر این اساس نهاده شده است. سنت در واژگان امروزی به معنای قانون است. بنابراین سنت‌ها، مجموعه‌ی قوانینی هستند که خداوند به شکل کلی بر جهان هستی مسلط گردانیده است. این سنت‌ها انواع مختلفی دارند؛ برخی دنیوی هستند و برخی اخروی؛ برخی فردی هستند و برخی اجتماعی. در مسئله‌ی تربیت و رشد فردی هم این سنت‌ها وجود دارند. برای مثال یکی از این سنت‌ها «الگوگیری فرزند از مادر و پدر» است. اگر مادر و پدر در مقابل فرزند مؤدبانه صحبت کنند، فرزند نیز از آن‌ها الگو می‌گیرد و با دیگران مؤدبانه صحبت می‌کند. به شکل مقابل، اگر مادر و پدر در مقابل فرزند غیرمؤدبانه حرف بزنند، نباید توقع داشته باشند که فرزند آن‌ها به شکل مؤدبانه با دیگران و یا خودشان سخن بگوید. در این متن می‌خواهیم درباره‌ی سنتی که ما آن را سنت «سعی» نام‌گذاری کرده‌ایم، صحبت کنیم.

در قرآن کریم آیات بسیار زیادی درباره‌ی سعی وجود دارند. برای مثال به آیه‌ی زیر توجه کنید:

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى
(۳۹) وَ أَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى
(۴۰)

و این که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست (۳۹) و کوشش او به زودی دیده خواهد شد (۴۰)

همان طور که در آیه‌ی بالا ذکر شده، به حقیقت آن

هستید، این که توقع داشته‌باشید که درس‌ها را کامل متوجه شوید و معدل خوبی داشته‌باشید، هیچ‌گاه عملی نخواهد شد. اگر الان هر یک روز در میان، با خواهر و برادر خود دعا می‌کنید،

سبک زندگی به معنای یک راه و روش است که یک فرد یا یک جمعیت به آن روش زندگی می‌کنند. سبک زندگی‌ها، بسته به مناطق جغرافیایی و فرهنگ‌های مختلف، انواع مختلفی دارند. برای مثال در کشور دانمارک در نیمه‌ی دوم سال، مدت زمان شب بسیار طولانی می‌شود؛ برای همین در این نیمه‌ی سال، ضیافت‌های شام همراه با دوستان و خانواده در این کشور بسیار افزایش می‌یابد.

نمی‌توانید بگویید که من بعد از ازدواج انسان خوش اخلاقی می‌شوم و با همسر و فرزندانم با خوش‌رویی رفتار خواهم کرد. اگر دوست دارید در بیست سال آینده انسان بسیار منظمی باشید، نباید اکنون سبک زندگی‌تان به نوعی باشد که اتاقتان بسیار کثیف و نامرتب باشد. نمی‌شود در آینده فردی کتابخوان و دانا باشید در حالی که الان ماه تا ماه نیم‌نگاهی هم به کتاب نمی‌اندازید. نمی‌شود در آینده فردی مقید و پایبند به نماز اول وقت باشید در حالی که اکنون نمازهایتان نزدیک به قضا شدن خوانده می‌شوند. و هزاران نمی‌شود دیگر ...

اگر بخواهم تمام حرف‌های بالا را جمع‌بندی کنم، طبق سنت‌های موجود در جهان هستی، انسان در ادامه‌ی زندگی خود چیزی نخواهد داشت، مگر چیزی که در طول این مسیر جمع‌آوری کرده باشد. به عبارت دیگر، شما در بیست سال بعد همان قدر شبیه کسی خواهید بود که تصور کردید، که در حال حاضر به آن سبک، زندگی می‌کنید. پس سبک زندگی خود را دست‌کم نگیرید؛ چون سبک زندگی شما، آینده‌ی شما است!

چیزی که ما می‌توانیم در آینده به دست آوریم، آن چیز است که الان برای آن تلاش می‌کنیم. سنت سعی گوینده‌ی آن است که آینده‌ی انسان به شکل کلی حاصل تلاش‌های امروز اوست. رسیدن به آینده‌ی خوب نیازمند تلاش و کوشش است و هر چه این کوشش بیشتر باشد نتیجه‌ی آن نیز بهتر خواهد بود. همچنین نمی‌توان توقع داشت که بدون تلاش کردن، انسان به آینده‌ی مطلوب خود برسد.

سبک زندگی به معنای یک راه و روش است که یک فرد یا یک جمعیت به آن روش زندگی می‌کنند. سبک زندگی‌ها، بسته به مناطق جغرافیایی و فرهنگ‌های مختلف، انواع مختلفی دارند. برای مثال در کشور دانمارک در نیمه‌ی دوم سال، مدت زمان شب بسیار طولانی می‌شود؛ برای همین در این نیمه‌ی سال، ضیافت‌های شام همراه با دوستان و خانواده در این کشور بسیار افزایش می‌یابد. یا مثلاً مسلمانان مناطقی که در ایام ماه مبارک رمضان روزهای طولانی‌تری دارند، شب‌ها را تا سحر بیدار می‌مانند و سحر می‌خوانند تا بخشی از روز را خواب باشند و کمتر اذیت شوند. مثال‌های بسیار بیشتر و متنوع‌تری وجود دارند که با جستجو در منابع مختلف می‌توانید آن‌ها را بیابید.

همان‌طور که گفتیم، سنت سعی به این معنا بود که هر چه که در آینده داریم چیزی نیست جز آن چه در حال برای رسیدن به آن تلاش می‌کنیم. برای رسیدن به سبک زندگی موفق نیز دقیقاً همین‌طور است. اگر در بیست سال آینده می‌خواهید فردی سلامت باشید، نمی‌شود هیچ فعالیت بدنی نداشته‌باشید؛ نتیجه‌ی سبک زندگی بدون ورزش، بیماری‌های جدی است که خدای ناکرده در آینده به سراغتان خواهد آمد. اگر همیشه به زور ساعت چهار صبح می‌خوابید و کلاس‌ها را خواب و بیدار





گزیده سخنرانی مراسم ظهر ۲۸ صفر
آیت الله صدیقی

جهان سراسر محبت خدا به بندگانش است

چه کسی به شما عشق به جبهه داد؟ از یادتان نرود دشمن سه استان شما را گرفته بود. الان یک وجب از خاک شما در اختیار دشمن نیست. دشمننت کجاست؟ چه شدند؟

این خدا همان خدا نیست؟ نباید به معنویت برگردیم؟ نباید به اطاعت کامل از آن پرچی که این پیروزی‌ها در گرو راهنمایی، رهبری و معنویت اوست برگردیم؟ (وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ) «ضحی - ۱۱»

بالاترین نعمت، نعمت ولایت امیرالمومنین

و ائمه‌ای اظهار است

یک معنای دیگر (وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ) «ضحی - ۱۱» هر جانمعت مطلق در قرآن یاد شده است حکومت معصوم است، ولایت امیرالمومنین و ائمه‌ای اظهار بالاترین نعمت است. در میان نعمت‌ها هیچ نعمتی به حکومت صالح نمی‌رسد. لذا تا حکومت امام زمان در عالم برقرار نشده بشر روی سعادت نخواهد دید، روی خوشبختی نخواهد دید، روی امنیت نخواهد دید. «... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتَهُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي...» «مائده - ۳» نمی‌دانید علی چه نعمتی است که خدا به شما داده است. دوازده امام چه نعمتی هستند. خدا این سرمایه را به شما داده است. ما چه کار کردیم که با امام رضا (ع) آشنا شویم؟ من کجا و امام رضا کجا؟ دل من کجا و محبت حضرت ثامن الحجج کجا؟ لذا وجود نازنین حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا نعمتی است که هیچ کسی عظمت حضرت رضا(ع) را نمی‌تواند کیل کند، نمی‌تواند وزن کند، نمی‌تواند توصیف کند. علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء خودش در وصف امامت یک بیان مفصلی دارند، که امام را توصیف می‌کند، امام را تشبیه به ابر پر باران می‌کنند، امام را تشبیه به پدر مهربان، به رفیق شفیق، به مادری که نسبت به بچه‌ی خودش همه چیزش را نثار می‌کند که این بچه به جایی برسد، رابطه امام را با ماموم، یک ارتباط تکوینی عاطفی خدادادی، همین جور که مادر با فرزند خودش رابطه‌اش شناسنامه‌ای نیست، قراردادی نیست، دایه نمی‌تونه مادر باشد مادر مادر خدا امام را برای شما به همچین چیزی قرار داده، او رابطه‌اش با شما رابطه تکوینی، رابطه باطنی و سری هست؛ امام سرالله است و در وجود همه شما سریان دارد، جریان دارد. هرکسی ارزشش به مقدار نوری است که از امام خودش دریافت می‌کند...

با حصر اقتصادی‌شان با فشارهای امنیتی‌شان با ایذا و اذیتشان، با هوچی‌گریشان، نتوانستند جلوی آوازه‌ی تو را بگیرند، نور تو را خاموش کنند.

امام، جمع‌کننده همه امت، وحدت، وحدت

یک یتیم رسمی شناسنامه‌ای داریم که برای پدرش برگ فوت کشیده‌اند در شناسنامه‌اش، شناسنامه را باطل کردند و یک یتیم اجتماعی داریم. امام پدر جامعه است. لذا در غیبت امام زمان (عج) شیعه مسائلش، مسئله‌ی ایتم است. این است که فقها را فرمودند این‌ها متکفلین ایتم آل پیغمبر صلوات الله علیه هستند. این برای ما افتخار است که من پدرم امام زمان است. وقتی بالای سرم نیست حکم یتیمی دارد. او یک بزرگواری را معین کرده که ما را جمع و جور کند، نگذارد ما اینطور پراکنده شویم، نگذارد ما به جان هم بیفتیم... «وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ» «حضرت زهرا (س)» این مسئله که پروردگار عزیز پیغمبرش را مامور فرموده «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَهْزَأْ» «ضحی - ۹» تو بابای این‌ها هستی ها! بالای سر این‌ها نباشی یتیم هستند ها. همه را تحویل بگیر، همه را جذب کن. «وَ أَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» «شعرا - ۲۱۵» جناح به معنای دست و بال است. وقتی انسان پرواز می‌کند این‌هایی که پروبال ندارند زمین می‌مانند. آدم‌ها اوج می‌گیرند این می‌ماند فقط نگاه می‌کند می‌بیند کجا رفته. حربه‌ی نگاهی کرده بود به خورشید گفت بگویم خدا بلندت کند که بلندی، بگویم خدا جلالت دهد که چه عظمتی داری. تنها چیزی که میتوانم بگویم، میتوانم بگویم خدا سایه‌ات را از سر ما کم نکند. پیغمبر افق تو بلند است اما شعاع نورت این‌ها را بالا ببرد. «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَهْزَأْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَزْ» افرادی هستند که نیاز باعث می‌شود این‌ها دست نیازشان را باز کنند، به زبان بیایور نکنند از این‌ها خسته شوی بگویی ای بابا! تا کی می‌خواهیم با این‌ها.. واما المسائل و لا تنهر. مسئله سوم و اما بنعمت ربک فحدث. این همه موهبت‌هایی که از خدا دیدی، شما در جنگ بنا بود از بین بروید، سه روزه بنا بود صدام در تهران مصاحبه کند. شما بود پیروز شدید؟ «... وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى...» «انفال - ۱۷» دست خدا را ندیدید؟ شما چه داشتید با قدرتهای اتمی شرق و غرب شجاعانه دست و پنجه نرم کردید و با این گرگ‌ها مقابله کردید و عقب نشینی نکردید؟ چه کسی شما را پیروز کرد؟ چه کسی آن روحیه را به شما داد؟

عاشق هر اثری از معشوق ببیند دلش می‌رود. این مجموعه آثار خداست. لذا در عالم امکان اصلاً امر زشت وجود ندارد، همه‌اش قشنگ است. «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» «سجده - ۷» هر چیزی که آفریده قشنگ آفریده. بوی او را می‌دهد. اثر اوست، نمود اوست. همین جوری که حرف آدم، مظهر نیت آدم است، مظهر علم آدم است

فقط نعمت‌ها را خدای متعال به رخ پیغمبرش، حبیبش می‌کشد. «مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى» «ضحی - ۳»، اگر یک دوروزی سیم تلفتن ت قطع شد، جوابش را ندادیم، این امتحان بود، ما با تو قهر نکردیم، با تو وداع نکردیم، تو را رها نکردیم، ما با تو هستیم، تو با ما می، «مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى» «ضحی - ۳»، مگر می‌شود آدم «رب» داشته‌باشد، «رب» آدم، آدم را اول کند؟! من که تو دامن خلقت او، آفرینش او، حکمت او، رحمت او، به وجود آدم، رشد کردم، من که غیر او کسی را ندارم، من را می‌خواهد به چه کسی بدهد؟ «مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى» «ضحی - ۳» هم خدا باهات وداع کرده، هم باهات قهر نکرده، «قَلَى»، یعنی قهر کردن خدا باهات، قهر نکرده، رویش را از تو برنگردانده، یک شعر لطیفی است که بعضی امام زمانی‌ها می‌خوندن، خدا رحمت کند آقای کافی را، من رشته محبت خود از تو می‌برم

شاید گره خورد به تو نزدیک‌تر شوم

این طناب وقتی بریده می‌شود، این گره [که زده می‌شود] یک مقدار نزدیک‌تر می‌کند دیگر، همان بود ولی فاصله را کم کرد شاید گره خورد به تو نزدیک‌تر شوم. حبیب من می‌خواستم عشقت را تیزتر کنم. «مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى» «ضحی - ۳» «وَلَا خَيْرَ لَكَ مِنْ الْأُولَى» «ضحی - ۴» باش تا صبح دولتت بدمد، اینجا که همیشه نوازشت می‌کنم، هوایت را دارم، «فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» «بقره - ۱۳۷» ، در برابر این دشمنان قدر تو طعنه‌گر قدار خدا کفایت می‌کند، سیل دشمنان در اطراف و اکناف عالم که از نظر عدد و عده هم خیلی زیاد هستند. اینها نمی‌توانند جلوی راه تو را بگیرند، جلوی دین تو را بگیرند. نه! ما هوایت را داریم، ما با تو قهر نیستیم، با تو رفیقیم، با تو هستیم، هوایت را داریم! «مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى» «ضحی - ۳» حالتی که اینجاست می‌بینی «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» «صف - ۸» این‌ها که نتوانستند با تبلیغاتشان، با جوسازی‌هایشان

ماجراجوی نونوایی

سرویس امر به معروف و نهی از منکر

#هم_خانواده_ایم



چرا داری فحش میدی؟ این جا زن و بچه‌ی مردم رد میشن. اون‌ها تعدادشون کم بود اما خیلی سریع چند نفر دیگه رو صدا کردن ...

روایتی از ماجرای شهادت شهید امر به معروف، محمد محمدی. به همراه صحنه‌پردازی گفتنیست در جریان این درگیری، یکی از ارادل با چاقویی که از قبل به همراه داشت، به پهلوی این بسیجی عزیز ضربه وارد می‌کند که به دلیل عمق زیاد این ضربه و پاره شدن ریه و قلب او، تلاش‌های پزشکان برای مداوا و احیای ایشان بی‌نتیجه می‌ماند و این بسیجی عزیز به مقام شهادت می‌رسند.

اعضای بدن این شهید و الامقام برای نجات بیماران نیازمند پیوند، اهدا شد.

یکشنبه‌ی هفته‌ی قبل رفتم نونوایی محل تو خیابون استخر چندتا نون بگیرم. وقتی توی صف چندتایی منتظر بودم تا نوبتم بشه، از شیشه‌ی نونوایی دیدم یه ماشینی که سرنشینانش چنتا جوون بودن، موقع پارک کردن خورد به ماشین جلویی. صاحب ماشین که یه خانمی بود به راننده اعتراض کرد. خود نونوا هم وارد ماجرا شد. فکر نمی‌کردم اتفاق جدی‌ای باشه اما به درگیری کشیده شد.

یه مرتبه دیدم اونا داشتن با الفاظ بسیار رکیک و ناموسی و با صدای بلند نونوا و اون خانم رو خطاب می‌کردن. فضا جووری بود که مردم ترسیده بودن هر لحظه اتفاقی بیفته. واقعاً نمی‌تونستم کاملاً بی‌تفاوت فقط نظاره‌گر ماجرا باشم ...

فوری از نونوایی زدم بیرون و رفتم جلو و گفتم

مادگی که خشک او فتد قیمت پداند آب را!

احمد رضا سبزواری - ۹۷ م شیمی

دفتر هیات ۲ دقیقه



از جنس بغض برای این که نشد مثل سال‌های قبل عزاداری کنیم ... نمی‌دانم کی قرار است این بلا سایه‌اش از روی سرمان برداشته شود؛ ولی اگر مشکل، ما و رفتارهایمان بوده است، دلم می‌خواهد رو کنم سمت آسمان و بگویم: ما ادب شدن کافیه دیگه برامون!

از این به بعد می‌فهمیم چه نعمتی داشتیم و برامون عادی شده بود ...

سرویس «دفتر هیأت» جایی است برای نوشتن از خاطرات مراسم‌ها، نحوه آشنایی با هیأت، اتفاقات جالب و صحنه‌های تاثیرگذار، روایت خادمی‌های خالصانه و... خلاصه هرچه از حال و هوای آن برمی‌آید.

می‌توانید صفحات قبلی‌ش را روی کانال مکتوبات هیأت‌الزهرا(س) مطالعه کنید و برگ بعدی دفتر هیأت را شما بنویسید:

@AzzahraaMaktubat

هیأت از جنس دومی بوده است! دلم همیشه می‌خواسته است من را جزوی از این مجموعه بدانند، و اگر جایی اسمی از من آمد در انتهای ذهنشان یک برچسبی از نوکری این خانواده روی پیشانی‌ام خورده باشد.

دقیق‌ترش را بخواهید، خودم هم نمی‌دانستم این قدر به این مجموعه وابسته‌ام؛ تا زمانی که کرونا باعث دوری‌ام از این خانه دوم شد. به خود آمدم و دیدم هیأت شده است معیار دسته‌بندی شماره مخاطبینم و پوشه‌بندی تلگرامم.

اندکی از دلتنگی دوری، با محرم، اربعین، دهه‌ی آخر صفر و برنامه‌های دیگر هیأت که شکر خدا به هر شکل بود با رعایت سختگیرانه پروتکل‌ها برگزار شدند، برطرف شد ... ولی تقریباً طبیعتیست آن جور که باید به دل من یک نفر حداقل نشست ...

انگار یک تکه خشت خیس خورده ته گلوی همه‌مان هست که دارد سنگینی می‌کند و راه نفس را بسته است ... یک چیزی

راستش خجالت می‌کشم از این که قرار است این چند سطر محل نوشتن تمامی بچه‌های "هیأت" را من پر کنم. هیاتی که تا چند ماه بعد از ورودم به دانشگاه اسمی از آن نشنیده بودم، تا هیاتی که از زمانی -مثل خیلی از بچه‌ها- شد معیار تنظیم برنامه هفتگی و کارهایم.

جایی می‌خواندم بین «حب» و «ود» تفاوت‌هایی وجود دارد. اولی آن است که کسی را دوست داری و به او می‌گویی؛ در محبت خود هم صادق هستی ولی همین ابراز پنهانی را کافی می‌دانی و به تو حس رضایت می‌دهد. اما دومی آن است که می‌روی وسط جمعیت و داد می‌زنی: «ای ایها الناس! من فلانی را دوست دارم!»

یعنی می‌خواهی هر جور که شده خودت را به او بچسبانی و بقیه بدانند تو با او حداقل ارتباطی داری. نمی‌دانم چقدر این معنی‌ها درست است و پایه و اساس دارد؛ ولی تنها چیزی که به آن مطمئن هستم و می‌دانم، این است که ارتباط من با هیأت و بچه‌های

صفحه‌آرا: محمد علی بلندزاده

صاحب امتیاز: هیات الزهرا (س) سردبیر: بهنام بالغی

سرپرست گروه ویراستاری: محمدجواد تحصیل‌دار

مدیر مسئول: مهدی فخرآبادی طرح جلد: محمدجواد علاء‌الدینی

همکاران حیات: رویا احمدیان - مسلم اکبرزاده - بهنام بالغی - محمدعلی بلندزاده - هدی بهمنی - فاطمه حوراء عظیمی - مریم سادات رضوی - احمد زعفرانی - صدرا صادقی - رضا صانعی‌پور - سیده زهرا ضجاجی - زهرا طائفی - مریم عراقی - مهدی فخرآبادی - امیرحسین قرشی ستوده - بهاره لطفعلی‌پور - مریم محمدی - سیدعلیرضا موسوی‌زاده - سید حسن موسوی گرم‌رودی

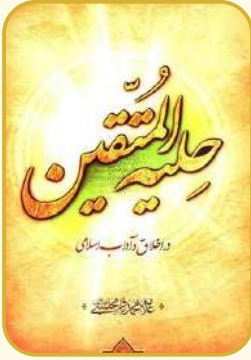
تحریریه این شماره: محمدعلی اخوان - بهنام بالغی - فاطمه بحرانی - علی رضائی - محمدمهدی زینلی - احمدرضا سبزواری - مریم عراقی - امیرحسین فرخ‌زاده

با تشکر از: زهرا اکبری - علیرضا چگنی - سید محمدرضا حسینی شکرآبی - فاطمه رضوانی - امیرحسین زندنیا - مرتضی شاکر آرائی - علی قائم‌دوست - سید پارسا قزوینی - علی لطفی - زینب محمودی - محمدامین مودی

در این شماره برای پاسخ به چگونگی پرورش‌هایی در تلذشیم

سبک زندگی چیست؟ و چه اثری در زندگی ما دارد؟
مبنای فکری زمینه‌ساز سبک زندگی اسلامی چیست؟
چرا در مقوله‌ی تمدن‌سازی، سبک زندگی جامعه یک رکن است؟
جایگاه فعالیت دانشجویی در سبک زندگی دانشجویی کجاست؟

برای مطالعه بیشتر در مورد موضوع پرورنده ویژه این شماره منابع زیر را پیشنهاد می‌کنیم (با کلیک بر روی تصاویر می‌توانید به محتوا دسترسی پیدا کنید)



کتاب «سواد رسانه‌ای از الف تا ی» نوشته‌ی محمدصادق افراسیابی و به اهتمام سازمان صدا و سیما با بررسی مفاهیم، مهارت‌ها و کارکردهای سواد رسانه‌ای از منظر اساتید و صاحب‌نظران سعی داشته نگاه جامعی به این ضرورت امروز جامعه بپردازد.
کتاب «حلیه‌المتقین» نوشته‌ی علامه محمدباقر مجلسی از انتشارات علی بن ابی طالب (ع) درباره آداب، سنت‌ها و اخلاق اسلامی به زبان فارسی می‌باشد. چنانکه خود مرحوم مجلسی گفته، این کتاب در حقیقت ترجمه روایات معتبر شیعه است. در این کتاب آداب و سنن و اخلاق اسلامی در چهارده باب و هر باب در ۱۲ فصل تنظیم شده است.
کتاب «خون دلی که لعل شد» حاوی خاطرات آیت‌الله سید علی خامنه‌ای از زندان‌ها و تبعید دوران مبارزات انقلاب اسلامی است که توسط دکتر محمدعلی آذرشب گردآوری شده و انتشارات انقلاب اسلامی آن را منتشر کرده است.
کتاب «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در موضوع الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت توسط انتشارات انقلاب اسلامی منتشر شده است.

Taha Alinejad
@AlinejadTaha
در سبک زندگی مدرن هم به خانواده‌ها به عنوان جایگاه تربیتی نگاه نشده، پدر و مادر افرادی هستن که صرفا [از سر محبت یا...] خوراک و پوشاک و امنیت برای کودک فراهم می‌کنن، آن‌ها رو تربیت نمی‌کنن.
Translate Tweet
18:32 · 04 Aug 20 · Twitter for Android

سجاد
@SajjadNaraghi
برای من فیلم طلا و مس بهترین فیلم تاریخ سینمای ایران
معتقدم این فیلم انقلابی بود تو سبک زندگی و تمایل به ساده زیستی قشر مذهبی خیلی از فیلم‌ها درباره طلبه‌ها و قشر مذهبی هم از این فیلم الگو گرفتن بنظرم وسط این سختی‌ها و خوف و رجاهای زندگی دیدنش میتونه حالمون رو بهتر کنه
Translate Tweet

محمدحسین اعلمی
@MHAamy76
البته در مورد فقر و ناعدالتی مسئله اصلی که باید بهش پرداخت ساختارهایی هستن که باعث میشن بعضی از مردم عزیزمون دچار این وضعیت بشن، ولی به شدت آزاردهنده است که خود ما هم در حد شعار بهش اکتفا می‌کنیم و توی سبک زندگی و برنامه‌ریزی و کارهای روزمره‌مون هیچ اثری از داشتن درد فقرا نیست...
Translate Tweet

Mohammad Saleh Ansari
@SarbazSaleh
من تنها محتوایی که می‌بینم که افراد مختلف خانواده رو از هر سنی می‌تونه دور هم جمع کنه #عصر_جدید ه که اونم یه جووری پخش می‌شه که زودتر از 12:30 کسی نخواهد خوابید و آدمایی که صبح خیلی زود باید برن سر کار نابود می‌شن. خلاصه که همه چیز برای یک سبک زندگی ناسالم فراهمه!
#صدا_و_سیما
Translate Tweet

R_ahmadian
@ahmadian_r
اسبک زندگی اسلامی که ابعاد مختلفی داره میتونه در قالب‌های مختلف پرداخته بشه. از روابط با کفار، تجارت و اقتصاد اسلامی گرفته تا مسائل خانوادگی. امام حسین با خانواده رفتند میدان جنگ و روایت‌هایی از نحوه برخورد‌ها و ارتباطات بین این روابط خویشاوندی هست که جای بررسی و الگوپذیری داره.
Translate Tweet

عباس عبدالهی (اکانت جدید)
@AbdollahieAbbas
آیت‌الله امینی حفظه‌الله میفرمودند: در دوران احتضار حضرت استاد در آخرین عبادت از ایشان خواستم توصیه ای بفرمایند. با زحمت بسیار و لرزش زبان فرمود: مراقبه، مراقبه، #مراقبه!
تفکر روزانه در احوال و اعمال خود، یکی از آداب #سبک_زندگی مسلمانان بوده و از مستحبات مؤکد اسلام.
#فرهنگ
#اخلاق

